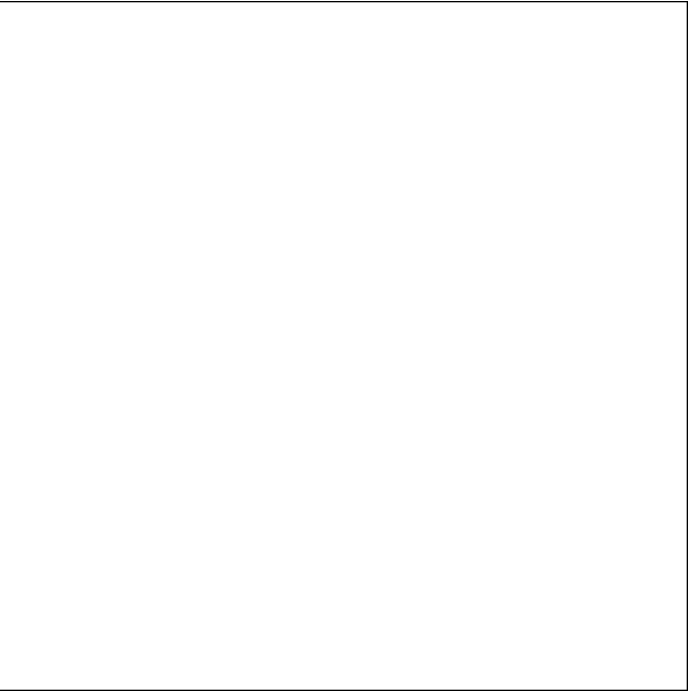


گرفتن دارو



✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Sara Rumen Krotev
📧 Sam Saf
2
🗨️ فارسی



LIDA Stories

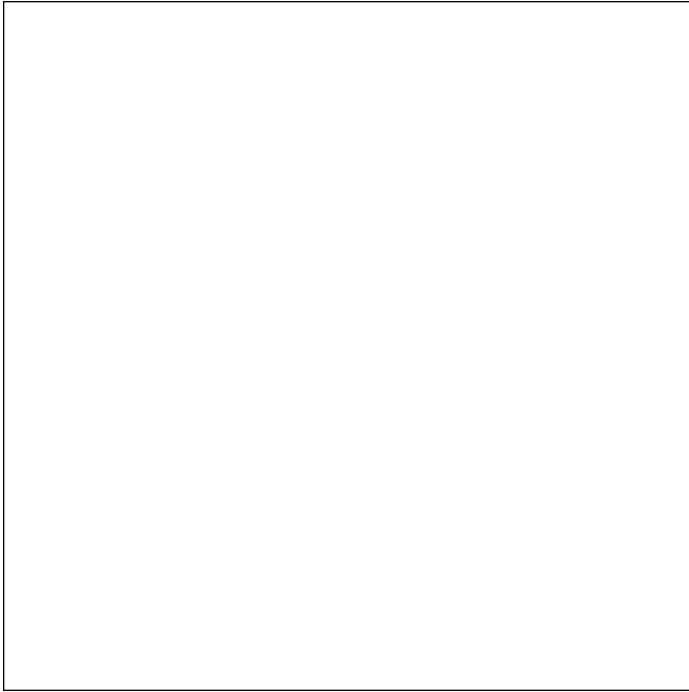
lidastories.net

گرفتن دارو

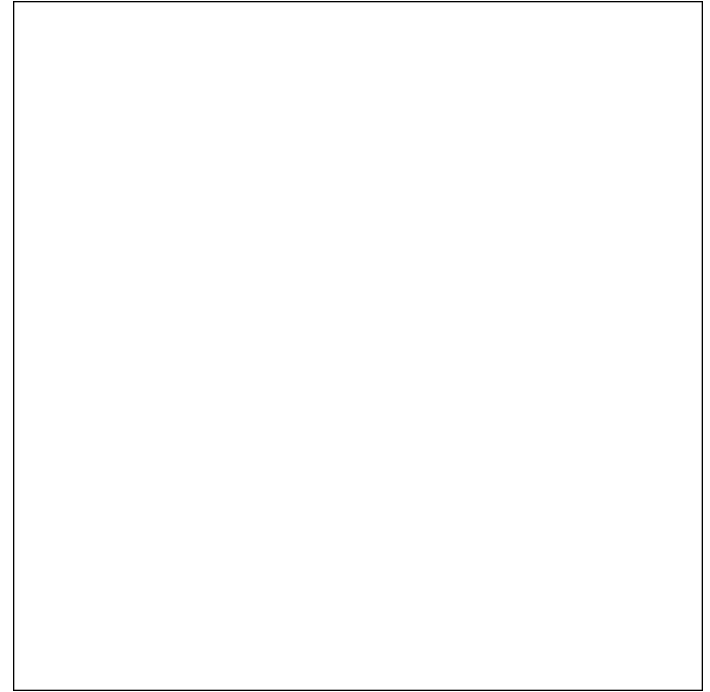
✎ Espen Stranger-Johannessen
☑ Sara Rumen Krotev
📧 Sam Saf



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

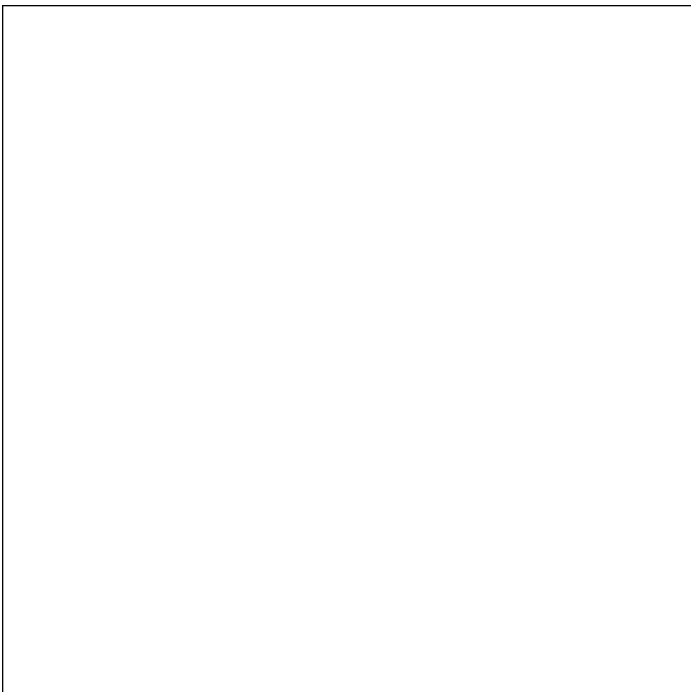


م‌م دندون درد داره. دندونش خیلی درد
میکنه.

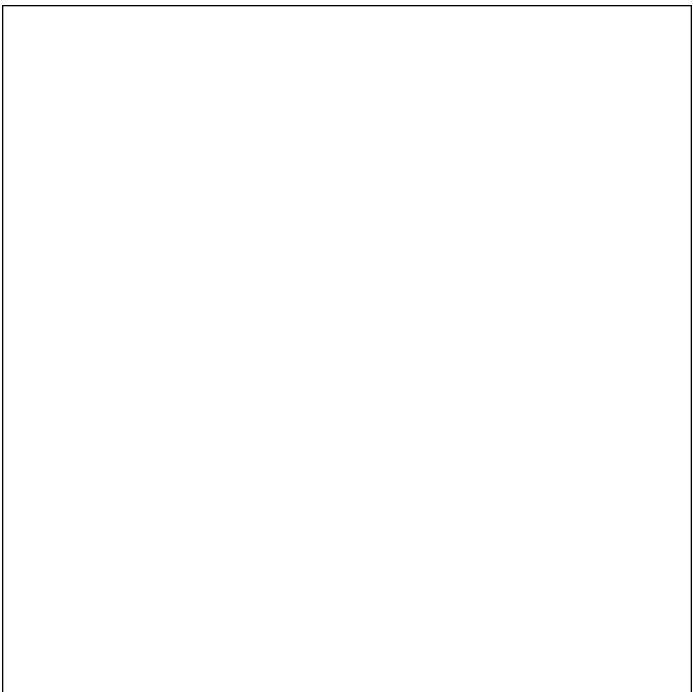


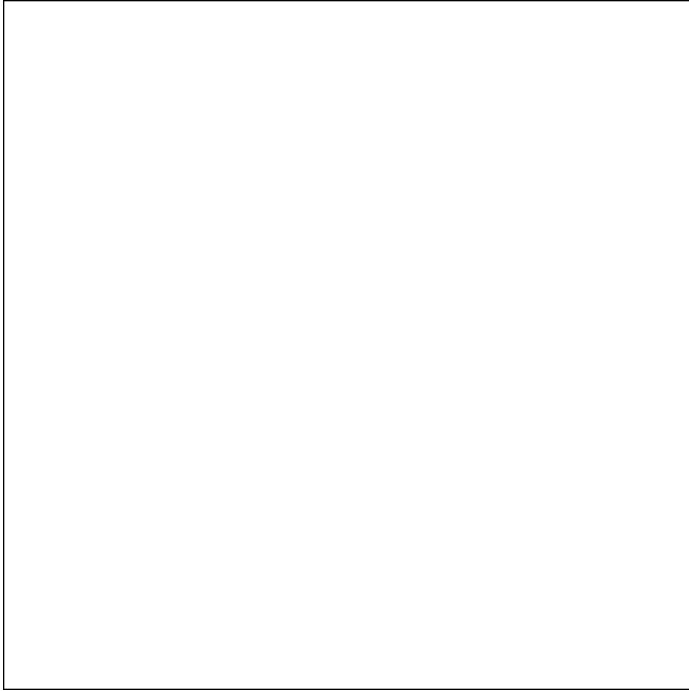
«ممنون! خدا حفظ.»

«اگر به داروی قوی تری نیاز دارید، فقط از
دندانپزشک دکتر تون نسجه بگیرین.»

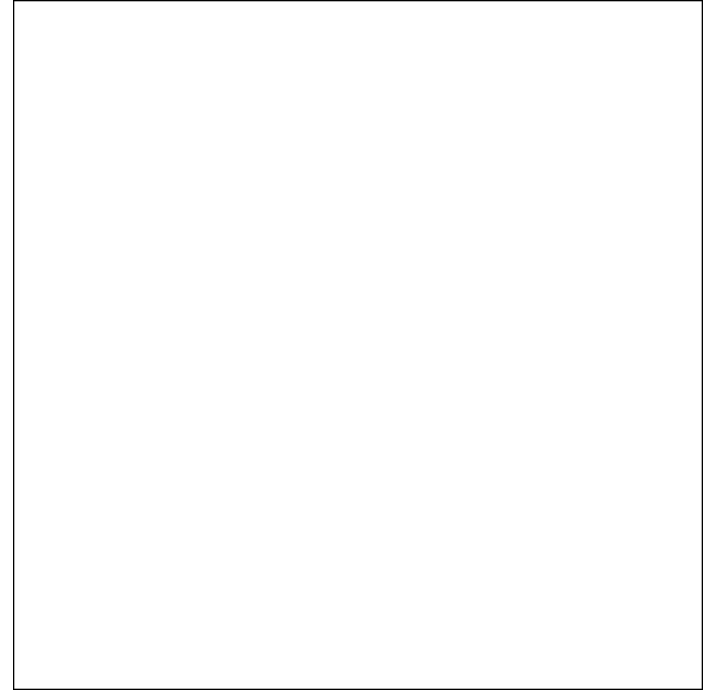


اون چند به دندانپزشکش مراجعه کنه، اه
اول به چیزی برای تسکین دردش احتیاج
داره.





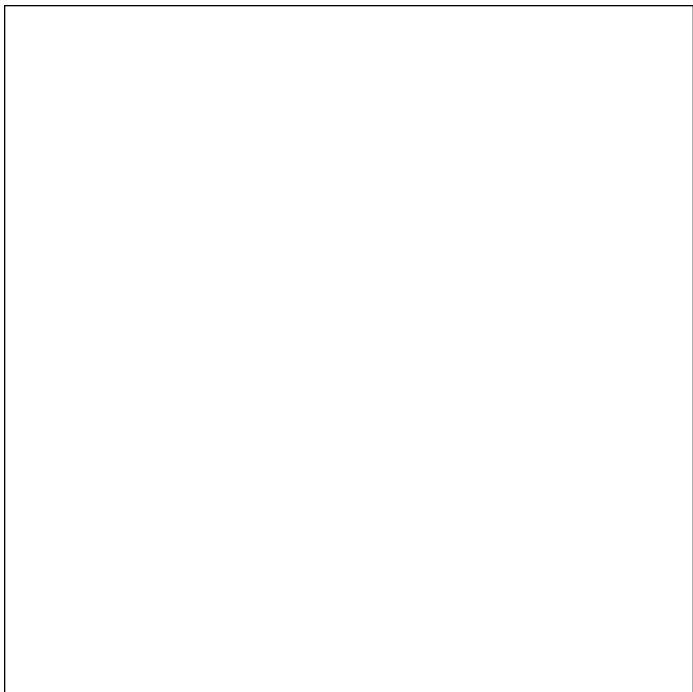
اون به نزدیکترین داروخانه می ره.



«باشه، فردا صبح ب دندونپزشکم تھس
میگیرم.»

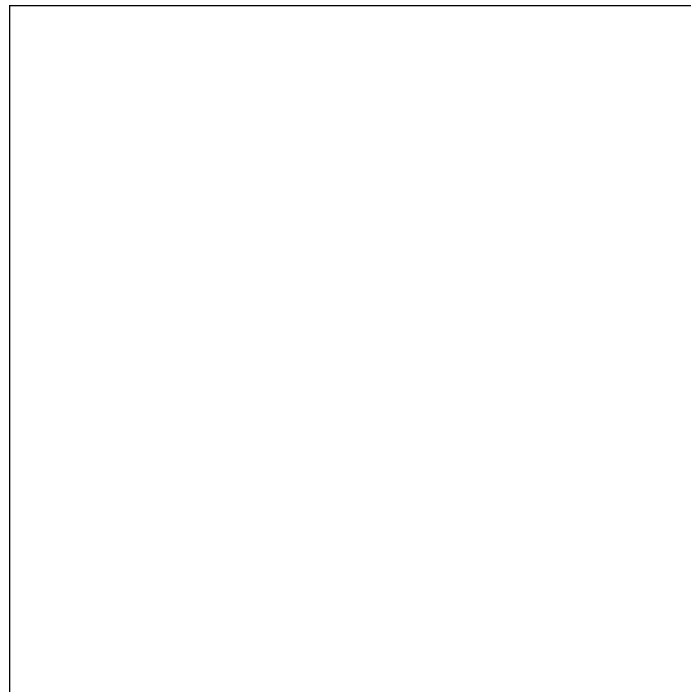
«چیزهای دارم؟»

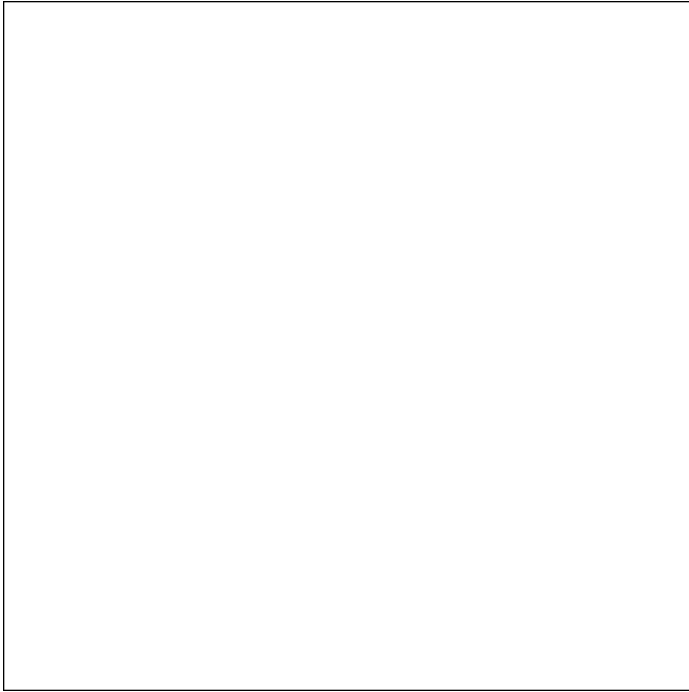
«براش می گاه: «من ندون دره دارم.»»



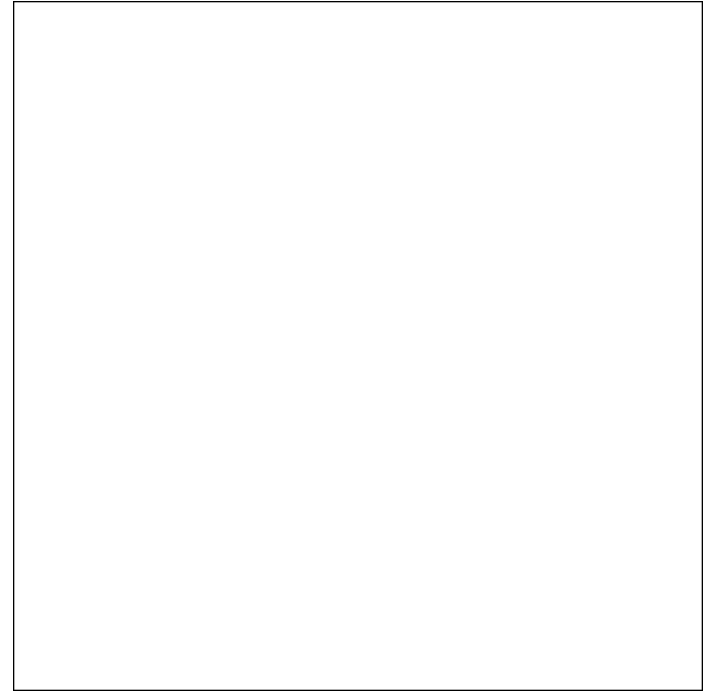
«پیش به ندونپزشک.»

«پیشتهو نه توره هسته واره.»





«بله، این ه چندتا مسکن هستند. برای اینها
نیازی به نسخه ندارین.»



«ممنون. چقدر میشه؟»